



آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد: خطرات دین‌داری بدون معرفت به رموز آن در سوره فرقان

آیت‌الله محقق داماد با بیان این‌که در سوره مبارکه فرقان عبادت بدون معرفت از رمز دین کورکورانه معرفی شده است، گفت: حال این پرسش مطرح می‌شود که راز و رمز دین‌داری چیست؟ اگر این عنصر را پیدا نکردیم و دین‌دار شدیم خطرش به مراتب از بی‌دینی بیشتر است.

آیت‌الله محقق داماد با بیان این‌که در سوره مبارکه فرقان عبادت بدون معرفت از رمز دین کورکورانه معرفی شده است، گفت: حال این پرسش مطرح می‌شود که راز و رمز دین‌داری چیست؟ اگر این عنصر را پیدا نکردیم و دین‌دار شدیم خطرش به مراتب از بی‌دینی بیشتر است.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد، عضو هیئت امنای سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، در روز جهانی فلسفه در نشست «حکمت و معنویت» گفت: موضوع سخن امروز من حول بحث «جایگاه معنویت در الهیات اسلامی» می‌چرخد. برای بررسی موضوع، این سوال پیشروی ماست. آیا از نظر الهیات اسلامی مراد از معنویت تقید به احکام شریعت است؟ آیا شخصی که به احکام عبادی عمل کند و رفتار اجتماعی خود را منطبق با شرع باشد مصداق شخص معنویست؟ آیا معنویت همان اخلاق است؟

وی افزود: پاسخ الهیات اسلامی به این پرسش‌ها منفی است. عنصر اصلی در الهیات اسلامی دین‌داری است. در قرآن کریم افرادی که عامل شریعت ولی فاقد دین‌داری هستند را مورد نکوهش قرار می‌دهد. این افراد ظاهر دین را رعایت می‌کنند ولی به این دین معرفت ندارند.

این مفسر قرآن اظهار کرد: در سوره مبارکه فرقان عبادت بدون معرفت از رمز دین کورکورانه معرفی شده است. حال این پرسش مطرح می‌شود که عبادت چیست؟ راز و رمز دین‌داری چیست؟ اگر این عنصر را پیدا نکردیم و دین‌دار شدیم خطرش به مراتب از بی‌دینی بیشتر است.

محقق داماد با اشاره به عواقب بد فهمی دین افزود: اگر دین آنگونه که شایسته است فهم نشود کج اندیشان دین را به اسفل السافین می‌رسانند. چه بسا در جامعه بی دین جوانمردی بیشتر دیده شود. بعد از اسلام آوردن جنایت‌های در عالم اسلام محقق شد که قبل از اسلام آوردن اتفاقات مشابه رخ نداده بود که از این جمله می‌توان به واقعه عاشورا اشاره کرد. وی در ادامه عنوان کرد: قرآن «عروه الوثقی» است یعنی دستگیره محکم است. در قرآن کلمه معنویت نیامده است. دین‌داری به معنی معرفت به غیب است اگر یک انسان به ساحت مقدس متافیزیک و عالم غیب متصل نباشد و از دینداری معرفت بدست نیاورد راز دینداری را گم کرده است.

این مفسر و قرآن پژوه با اشاره به فرق بین دینداری و غیر دینداری تصریح کرد: اعتقاد به عالم غیرمحسوس دیندار را از غیر دیندار جدا می‌کند. یک حدیث را مجلسی از کافی نقل کرده است وقتی سند این حدیث را بررسی کردم به اهل بیت رسیدم» فردی نزد پیامبر آمد و از ایشان پرسید کسی را سراغ دارم که بیشتر اوقات روزه است، عمره و حج واجب رفته است به یتیمان کمک میکند و به تمام اصول و احکامی که شما آورده‌اید پایبند است وضعیت این فرد در آینده چگونه است؟ پیامبر(ص) در جواب فرمودند خداوند به اندازه درک و شعور هر کس به او مزد و پاداش می‌دهد و راز همه این اعمال تعقل است. حکمت و فلسفه را باید جاودانه آموخت

آیت‌الله حسین رضائی گفت: از حکمت حکیم و معنویت کسی که اهل معناست می‌تواند سخن بگوید. حکمت در کنار علم و معرفت امکان نزدیکی معانی آنها زیاد است؛ ولی بار معنایی خاصی دارند. علم آگاهی و به دانستن تعبیر شده است و معرفت به معنی آگاهی مفصل و جزیی است که از هرگونه ابهام و اجمال روی گردان است.

رضائی تصریح کرد: حکمت صرفاً آگاهی نیست. حکمت آگاهی از حقایق اشیا است ملاصدرا در اسفار می‌نویسد حکمت صرف آگاهی نیست باید از حقایق آگاه شود. معنا در برابر لفظ است و صورت. معنا یعنی اصل و باطن معنوی یعنی منصوب به معنا. این حجاب‌ها باید برداشته شود و انسان احساس نزدیکی به ملکوت کند پس باید فلسفه و حکمت به گونه‌ای آموخت که جاودان باشد.

هنر امروزی فرسنگ‌ها با هنر اسلامی تباین دارد

شهرام پازوکی عضو هیئت علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه گفت: موضوع بحث امروز من حکمت در هنر اسلامی است. سوالی که در ابتدا مطرح می‌شود این است که آیا در هنر اسلامی چیزی به عنوان حکمت و معرفت داریم؟ سه گرایش برای به این سوال مطرح شده است گرایشی که معتقد است هنر جلوه‌ای از حقیقت قدسی است و گرایشی که معتقد است زمان هنر به سررسیده است. و در نهایت گرایش نسبی گرایی است.

وی افزود: هنر به معنای «art» کاملاً مدرن است و این مفهوم را نمی‌توانیم در قدیم و حتی قرون وسطی پی بگیریم. اما در اسلام معماری مساجد و خوشنویسی قرآن قابل انکار نیست ولی باید بگوییم فهم امروز از هنر امروز با فهم قدیم از زمین تا آسمان متفاوت است.

وی با اشاره به نیامدن واژه هنر در قرآن و منابع روایی اظهار کرد: بسیاری معتقدند چون هنر در قرآن و کتب روایی نیامده است

قابل اعتنا نیست. چگونه می‌توان هنر جز تعالیم اسلامی باشد ولی در منابع اصلی نیامده باشد.